

Investigating the Role of Different Methods of Educational Supervision & Guidance on Academic Improvement

With the emphasis of literature teachers in schools in Kabul city

Seyed jabbar (rasa)

Department of Language, Literature and Cultural Studies, Al-Mustafa Open University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

The objective of this research is to examine the role of various educational supervision and guidance methods in improving the academic and professional development of teachers in Kabul city's schools. Considering the importance of enhancing teaching quality and the vital role of teachers in the educational system, this study seeks to identify which supervision methods (traditional supervision, clinical supervision, participatory supervision, and supportive guidance) have the greatest impact on teachers' professional and academic growth. The research method is quantitative and descriptive-analytical in nature. The statistical population of this study comprises all teachers in Kabul city during the academic year 1404-1405. For sampling, using multi-stage cluster random sampling, one educational district was selected, from which 6 public schools and 2 private schools were chosen. The total number of teachers from public and private schools was 240 individuals, including 130 teachers from private schools and 110 from public schools. Using Cochran's formula at 95% confidence level and 5% margin of error for a finite population, the sample size was determined to be 150 individuals. The results of this research indicate that supervisory methods (participatory supervision and supportive guidance) with impact coefficients of 0.67 and 0.85 respectively, have the greatest effect on teachers' professional improvement, while traditional supervision with a coefficient of 0.23 showed the least impact. Additionally, a significant relationship was observed between clinical supervision and improvement in teaching skills.

Keywords: Educational Guidance, Teachers' Professional Development, Teaching Performance Improvement, Clinical Supervision, Kabul Schools.

بررسی نقش شیوه‌های مختلف نظارت و راهنمایی آموزشی بر بهبود علمی

با تأکید معلمان ادبیات در مکاتب شهر کابل

سید جبار (رسا)

گروه زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران.

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی نقش شیوه‌های مختلف نظارت و راهنمایی آموزشی بر بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان ادبیات در مکاتب شهر کابل است. با توجه به اهمیت ارتقای کیفیت تدریس و نقش حیاتی معلمان ادبیات در نظام آموزشی، این پژوهش تلاش دارد تا نشان دهد کدام شیوه‌های نظارتی (نظارت سنتی، نظارت بالینی، نظارت مشارکتی و راهنمایی حمایتی) می‌تواند بیشترین تأثیر را بر رشد حرفه‌ای و علمی معلمان مذکور داشته باشد. روش تحقیق کمی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این تحقیق شامل معلمان ادبیات در شهر کابل در سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵ است. برای نمونه‌گیری، به صورت تصادفی خوشه‌ای، یک ناحیه آموزشی انتخاب و از این ناحیه ۶ مکتب دولتی و ۲ مکتب خصوصی انتخاب شدند. مجموع آمار مکاتب خصوصی و مکاتب دولتی ۲۴۰ تن که از جمله ۱۳۰ تن و از مکتب دولتی ۱۱۰ تن معلمان از مکاتب خصوصی است، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای ۵٪ برای جامعه محدود برابر با ۱۵۰ تن به دست آمد است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شیوه‌های نظارتی (نظارت مشارکتی و راهنمایی حمایتی) با ضریب تأثیر ۰/۶۷ و ۰/۸۵ به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر بهبود حرفه‌ای معلمان ادبیات دارند، در حالی که نظارت سنتی با ضریب ۰/۲۳ کمترین تأثیر را نشان داده است. همچنین بین نظارت بالینی و بهبود مهارت‌های تدریس رابطه معناداری مشاهده شد.

کلید واژه‌ها: راهنمایی آموزشی، توسعه حرفه‌ای معلمان، بهبود عملکرد تدریس، نظارت بالینی، مکاتب کابل.

۱. مقدمه

نظارت و راهنمایی آموزشی یکی از ابزارهای کلیدی بهبود کیفیت آموزشی و توسعه حرفه‌ای معلمان است و در صورت اعمال شیوه‌های مناسب، می‌تواند مهارت‌های علمی و حرفه‌ای آنان را ارتقا داده، در نهایت موجب بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس ادبیات فارسی شود. در مکاتب شهر کابل که با کمبود امکانات، فشارهای اجتماعی و نیاز به به‌روزرسانی روش‌های تدریس روبه‌رو هستند، بررسی تأثیر نظارت و راهنمایی اهمیت ویژه‌ای دارد. نظارت آموزشی فرایندی مبتنی بر همکاری حرفه‌ای و تلاش جمعی است که به منظور بهبود روند تدریس و یادگیری طراحی و اجرا می‌شود و زمینه اصلاح و ارتقای کیفیت تدریس معلمان را فراهم می‌سازد (عظیمی، ۱۴۰۴ به نقل از نیکنامی، ۱۳۹۶: ۲۹). با توجه به ارتباط مستقیم کیفیت آموزش با سطح مهارت و دانش معلمان، شناخت دقیق شیوه‌های مؤثر نظارت می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان کمک کند تا سیاست‌های آموزشی بهتری اتخاذ کرده، زمینه رشد علمی و حرفه‌ای معلمان را فراهم سازند.

نظارت و راهنمایی آموزشی با وجود سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در آموزش و پرورش افغانستان، به‌ویژه در کابل، هنوز نتوانسته است شکاف میان هزینه‌های صرف‌شده و پیشرفت واقعی علمی و مهارتی معلمان را به‌طور کامل کاهش دهد. این شکاف بیانگر ضعف در شیوه‌های نظارت و راهنمایی است که به‌طور مؤثر به بهبود عملکرد معلمان منجر نشده است. بسیاری از تحقیقات بر اهمیت نظارت آموزشی تأکید دارند، اما روش‌ها و آثار آن در افغانستان کمتر مطالعه شده است.

بررسی‌های خارجی نشان می‌دهد نظارت مشارکتی، حمایتی و آموزشی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت آموزش داشته باشد (محمدی، ۱۳۹۸؛ رحیمی، ۱۳۹۹؛ احمدی و همکاران، ۲۰۲۰). با این حال، در شرایط خاص نظام آموزشی افغانستان، به‌ویژه در کابل با محدودیت منابع و چالش‌های امنیتی، پژوهش‌های اندکی به بررسی اثربخشی این شیوه‌ها پرداخته‌اند. تحقیق حاضر با هدف پر کردن این خلأ، تأثیر شیوه‌های مختلف نظارت و راهنمایی آموزشی بر بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان مکاتب شهر کابل را بررسی می‌کند تا زمینه اصلاح سیاست‌ها و روش‌های نظارتی فراهم شود.

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

نظارت و راهنمایی آموزشی از عوامل اصلی ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت است و با توجه به سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش آموزش، ارزیابی تأثیر واقعی این شیوه‌ها بر بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان ضروری است. معلمان به‌عنوان محور فرایند یاددهی-یادگیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت آموزش دارند و هرگونه ارتقا در دانش و مهارت آنان مستقیماً بر عملکرد شاگردان اثر می‌گذارد.

در شرایط کنونی، مکاتب کابل در به‌کارگیری شیوه‌های مؤثر نظارت با چالش‌هایی روبه‌رو هستند که مانع بهره‌برداری کامل از منابع مالی و انسانی شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند به مدیران و تصمیم‌گیرندگان کمک کند تا سیاست‌ها و برنامه‌های نظارتی را بر اساس شواهد علمی بازنگری کرده، فرایند نظارت و راهنمایی را هدفمندتر سازند و در نهایت به بهبود کیفیت آموزش و افزایش رضایت شغلی معلمان و ارتقای نظام آموزشی کشور کمک کنند.

هدف اصلی این دریافت نقش شیوه‌های مختلف نظارت و راهنمایی آموزشی بر بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان مکاتب شهر کابل از دیدگاه معلمان است و اهداف جزئی عبارتند از:

- شناسایی انواع شیوه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی که در مکاتب شهر کابل اجرا می‌شود.
 - تحلیل میزان تأثیر هر یک از شیوه‌های نظارت و راهنمایی بر ارتقای دانش علمی معلمان.
 - تعیین میزان نقش نظارت و راهنمایی آموزشی بر بهبود مهارت‌های حرفه‌ای و تدریس معلمان.
- سؤال اصلی پژوهش اینست که تعیین شیوه‌های مختلف نظارت و راهنمایی آموزشی بر بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان مکاتب شهر کابل تا چه حد است و در ادامه سؤال‌های زیر نیز قابل بررسی و پاسخگویی است؛

- چه نوع شیوه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی در مکاتب شهر کابل به کار گرفته می‌شود؟
- هر یک از شیوه‌های نظارت و راهنمایی تا چه اندازه بر ارتقاء دانش علمی معلمان مؤثر است؟
- چگونه نظارت و راهنمایی آموزشی بر بهبود مهارت‌های حرفه‌ای و تدریس معلمان تأثیر می‌گذارد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

نظارت و راهنمایی آموزشی به‌عنوان یکی از عوامل مهم ارتقای کیفیت نظام‌های آموزشی، نقشی کلیدی در بهبود عملکرد معلمان و ارتقای یادگیری دانش‌آموزان دارد و پژوهش‌ها نشان داده‌اند شیوه‌های متنوع نظارت می‌تواند رشد علمی و حرفه‌ای معلمان را تقویت کند.

در افغانستان، تاریخچه نظارت آموزشی به دورهٔ امیر شیرعلی‌خان و آغاز معارف جدید بازمی‌گردد؛ در آن زمان، ساختار آموزشی ابتدایی و نظارت به‌صورت مستقیم بر عهده امیر و مشاوران وی بود (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۰). با گسترش مکاتب رسمی، نظارت آموزشی ساختارمندتر شد و نظام نظارت چندسطحی شکل گرفت که در آن هر ناحیه چند مرتبه نظارت را برای بهبود تدریس، ارتقای کیفیت آموزش و پاسخگویی به نیازهای حرفه‌ای معلمان پیش‌بینی کرده است (کوهستانی، ۱۳۶۸: ۳۵). در سال‌های اخیر، با ایجاد ریاست عمومی نظارت آموزشی در چوکات معینیت تعلیمات عمومی و استفاده از تیم‌های نظارتی مسلکی در ولایت‌ها و ولسوالی‌ها، تلاش شده است کیفیت تدریس و یادگیری به‌صورت ساختاری تقویت شود.

به باور عظیمی (۱۴۰۴)، نظارت و راهنمایی آموزشی زمانی مؤثر است که بر اهداف روشن، ارزیابی دقیق وضعیت آموزش، تعامل فعال با معلمان و رهبری آموزشی و بهره‌گیری از متخصصان آگاه و آموزش‌دیده استوار باشد؛ با این حال، نبود هماهنگی بین ناظران، محدودیت منابع، عدم تخصص کافی و تمرکز صرف بر گزارش‌دهی سبب شده است نظارت در بسیاری موارد نقش مطلوب خود را ایفا نکند. این نکات با اهداف پژوهش حاضر، که بررسی تأثیر شیوه‌های مختلف نظارت (سنتی، بالینی، مشارکتی و نوین) بر بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان مکاتب کابل است، هم‌سو و استفاده از تجربیات داخلی در کنار نظریه‌های بین‌المللی می‌تواند چارچوبی جامع برای تحلیل وضعیت موجود و ارائه راهکارهای مؤثر فراهم سازد.

مطالعات انجام‌شده در ایران نیز به اهمیت نظارت و راهنمایی آموزشی در بهبود کیفیت تدریس و افزایش کارایی معلمان اشاره دارند. احمدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داده‌اند نظارت مستمر، هدفمند و همراه با بازخورد سازنده، انگیزه و مهارت‌های تدریس معلمان مدارس ابتدایی را افزایش

می‌دهد و رضایی (۱۳۹۷) تأکید می‌کند راهنمایی آموزشی می‌تواند معلمان را در مواجهه با چالش‌های حرفه‌ای یاری کند و موجب افزایش اعتماد به نفس و تعهد شغلی آنان شود. با وجود تحقیقات داخلی و خارجی، در زمینه نحوه تطبیق و اثرگذاری شیوه‌های مختلف نظارت و راهنمایی در نظام آموزشی افغانستان، خاصه در مکاتب دولتی و خصوصی شهر کابل با شرایط فرهنگی و آموزشی ویژه، هنوز کمبود مطالعات عمیق به چشم می‌خورد. این پژوهش با تمرکز بر نظارت سنتی، مشارکتی، بالینی و نوین، در پی پر کردن بخشی از این خلأ و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای نظام نظارت و راهنمایی آموزشی است تا به بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان و ارتقای کیفیت آموزش در کشور کمک کند.

۲. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

مطالعات ایرانی، از جمله محمدی (۱۳۹۸)، نشان می‌دهد نظارت مشارکتی و حمایتی علاوه بر بهبود علمی معلمان، موجب افزایش انگیزه و ارتقای کیفیت تدریس می‌شود. در سطح بین‌المللی، گلیکمن (۲۰۰۲) و هالینان (۲۰۱۰) بر اهمیت نظارت فرایندی و بازخورد مستمر تأکید کرده‌اند و آن را عامل اصلی توسعه حرفه‌ای معلمان می‌دانند؛ رویکردی که احساس حمایت و ارزشمندی را در معلمان تقویت می‌کند و آنان را به مشارکت فعال در بهبود روش‌های آموزشی ترغیب می‌کند. بروان و اسمیت (۲۰۱۹) در پژوهشی در آمریکا نشان داده‌اند مدل‌های تعاملی نظارت که بر مشارکت فعال معلمان و بازخورد مستمر استوار است، موجب ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری دانش‌آموزان می‌شود و برخلاف روش‌های سنتی صرفاً ارزیابانه، بر توسعه مهارت‌ها و حمایت از معلمان تأکید دارد. لی و همکاران (۲۰۲۱) نیز در مطالعه‌ای درباره آموزش ضمن خدمت، اهمیت حمایت مستمر و فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری پیوسته برای معلمان را برجسته کرده‌اند و جانسون (۲۰۱۸) نتیجه گرفته است نظارت آموزشی باید فراتر از ارزیابی صرف باشد و ابعاد حمایت روانی و توسعه حرفه‌ای را نیز دربرگیرد؛ رویکردی که به افزایش انگیزه، کاهش استرس شغلی و ارتقای کیفیت آموزش می‌انجامد.

در ایران نیز پژوهش‌های متعدد از جمله رحیمی (۱۳۹۹)، احمدی (۱۴۰۰)، حسینی (۱۳۹۷) و سلیمانی (۱۳۹۶) نشان داده‌اند نظارت مشارکتی، حمایتی و مبتنی بر بازخورد مستمر، کیفیت تدریس معلمان را بهبود می‌بخشد و نظارت آموزشی را باید فرایندی پویا و تعاملی برای توسعه حرفه‌ای معلمان دانست. رحیمی (۱۳۹۹) بر افزایش رضایت شغلی و تعهد معلمان در نتیجه نظارت حمایتی تأکید می‌کند و حسینی (۱۳۹۷) نقش بازخورد مستمر و آموزش ضمن خدمت همراه با راهنمایی را در ارتقای دانش علمی و مهارتی معلمان برجسته می‌سازد.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه با عنوان «بررسی تأثیر شیوه‌های مختلف نظارت و راهنمایی آموزشی بر بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان مکاتب شهر کابل» به صورت توصیفی-تحلیلی و با هدف کاربردی انجام شده است؛ زیرا نتایج آن می‌تواند در بهبود عملکرد نظارتی و توسعه حرفه‌ای معلمان به کار رود. جامعه آماری شامل همه معلمان مکاتب دولتی و خصوصی در سال تحصیلی ۱۴۰۴ است. از میان مکاتب موجود، شش مکتب دولتی و دو مکتب خصوصی به صورت تصادفی انتخاب شد و مجموع ۲۴۰ معلم به عنوان جامعه در نظر گرفته شد. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۱۵۰ نفر تعیین و نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده اجرا شد تا امکان تعمیم نتایج فراهم گردد.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که در چهار بعد نظارت سنتی، مشارکتی، بالینی و نوین (هر کدام ۱۰ سؤال) به همراه بخش معلومات عمومی و سؤالات باز برای پیشنهادها و دیدگاه‌های معلمان طراحی شد. روایی محتوایی پرسشنامه با نظر استادان دانشگاهی حوزه تعلیم و تربیت تأیید و اصلاحات لازم اعمال شد. برای سنجش پایایی ابزار، ضریب آلفای کرونباخ بر روی نمونه‌ای سی نفری (خارج از نمونه اصلی) محاسبه و مقدار ۰/۹۱ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسشنامه است. داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار SPSS تحلیل شد؛ در بخش توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون ساده برای بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شد. ابزار و تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ای

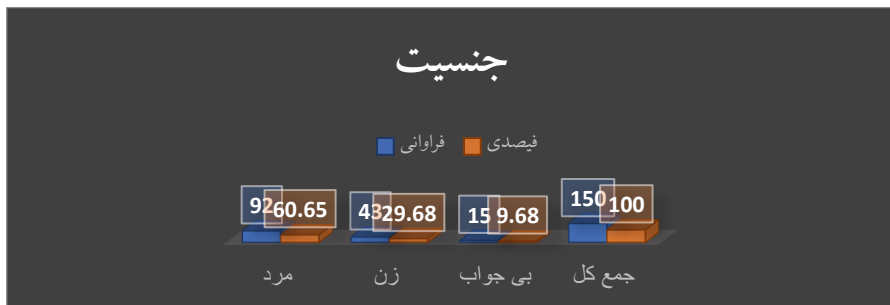
این تحقیق نرم افزار SPSS است. پس از تحلیل به وسیله نرم افزار مذکور داده‌ها مورد تحلیل توصیفی قرار می‌گیرد.

داده‌های تحقیق

۱۵۰ پرسشنامه‌ای که توزیع شده به طور کامل پاسخ داده شد و اطلاعات گردآوری شده از طریق پرسشنامه‌ها، پیش‌کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی نظیر درصد فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است.

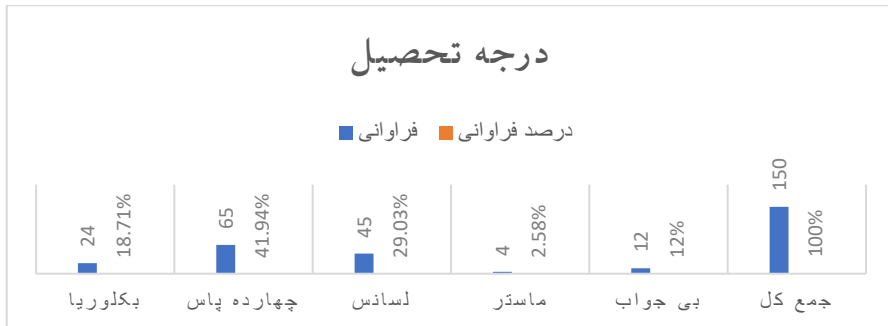
تحلیل داده‌های جمعیت‌شناسی

جدول ۱: توزیع نمونه آماری بر حسب جنسیت



داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ۹۲ نفر (۶۵/۶۰ درصد) از پاسخ‌دهندگان، مرد و ۴۳ نفر (۶۸/۲۹ درصد) زن و ۱۵ نفر (۹/۶۸ درصد) جنسیت خود را ذکر نکرده است. همان‌طوریکه ملاحظه می‌شود در مکاتب شهر کابل و دیگر آموزشگاه‌های - تحصیلی کارمندان مرد بیشتر از کارمندان زن است و اختلاف تعداد آنان به میزان بسیار بالایی به چشم می‌خورد.

جدول ۲: توزیع نمونه آماری بر حسب درجه تحصیل



اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که از ۱۵۰ پاسخ دهنده به پرسشنامه ۲۴ نفر (۱۸/۷۱٪) دارای مدرک بکلوریا، ۶۵ نفر (۴۱/۹۴٪) دارای مدرک چهارده پاس، ۴۵ نفر (۲۹/۰۳٪) دارای مدرک لیسانس، ۴ نفر (۲/۵۸٪) دارای مدرک ماستر^۱ و ۱۲ نفر (۱۲٪) سطح تحصیلی خود را مشخص نکرده‌اند.

یافته‌های پژوهش

الف - یافته‌های توصیفی: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. یافته‌های پژوهش حاضر با توجه به سؤالات اصلی و فرعی مطرح شده قرار ذیل توضیح می‌گردد: تعیین شیوه‌های مختلف نظارت و راهنمایی آموزشی بر بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان مکاتب شهر کابل تا چه حد است؟

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (n=150)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
نظارت مشارکتی	۴/۱	۰/۷۲	۲/۵	۵/۰
راهنمایی حمایتی	۳/۸	۰/۷۵	۲/۰	۵/۰
نظارت بالینی	۳/۴	۰/۸۳	۱/۸	۴/۸
نظارت سنتی	۲/۷	۰/۹۵	۱/۲	۴/۵
بهبود علمی معلمان	۳/۹	۰/۶۸	۲/۳	۵/۰

۱. درجات تحصیل با عنوان‌های موجود در افغانستان نوشته شده است؛ مثلاً ماستر همان ارشد در ایران است.

بهبود حرفه‌ای معلمان	۴/۰	۰/۶۴	۲/۵	۵/۰
----------------------	-----	------	-----	-----

(ب) یافته‌های استنباطی:

سؤال اول: بررسی رابطه بین شیوه‌های نظارتی و بهبود معلمان

برای بررسی این رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
نظارت مشارکتی	۱				
نظارت حمایتی	۰/۵۲	۱			
نظارت بالینی	۰/۴۶	۰/۵۱	۱		
نظارت سنتی	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۱۷	۱	
بهبود علمی معلمان	۰/۶۵	۰/۵۶	۰/۴۳	۰/۲۱	۱
بهبود حرفه‌ای معلمان	۰/۶۳	۰/۵۹	۰/۴۷	۰/۱۹	۰/۷۲

سؤال دوم: پیش‌بینی بهبود معلمان بر اساس شیوه‌های نظارتی

برای پاسخ به این سؤال از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد:

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی بهبود علمی معلمان

متغیرهای پیش‌بین	ضریب بتا	مقدار t	سطح معناداری
نظارت مشارکتی	۰/۴۱	۴/۹۲	۰/۰۰۱
راهنمایی حمایتی	۰/۳۴	۴/۱۵	۰/۰۰۲
نظارت بالینی	۰/۲۶	۳/۱۲	۰/۱۵
نظارت سنتی	۰/۰۹	۱/۰۸	۰/۲۸۱

سؤال سوم: مقایسه نظریات معلمان مکاتب دولتی و خصوصی

برای بررسی این سوال از آزمون t مستقل استفاده شد:

جدول ۶: مقایسه میانگین نظریات معلمان مکاتب دولتی و خصوصی

متغیر	مکاتب دولتی (n=90)	مکاتب خصوصی (n=60)	مقدار t	سطح معناداری
نظارت مشارکتی	۳/۹	۴/۴	۳/۲۵	۰/۰۱۲
راهنمایی حمایتی	۳/۶	۴/۱	۲/۹۸	۰/۰۱۸
بهبود علمی	۳/۷	۴/۲	۳/۴۱	۰/۰۰۸

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر که با نمونه‌ای ۱۵۰ نفری انجام شد، نتایج نشان داد که شیوه‌های نوین نظارتی شامل مشارکتی (با ضریب همبستگی ۰/۶۵) و حمایتی (با ضریب همبستگی ۰/۵۶) بیشترین رابطه را با بهبود علمی و حرفه‌ای معلمان دارند. در مقابل، نظارت سنتی با ضریب ۰/۲۱ کمترین رابطه را نشان داد. همچنین تحلیل رگرسیون مشخص کرد که ۵۳٪ از واریانس بهبود معلمان توسط این متغیرها تبیین می‌شود؛ علاوه بر این، معلمان مکاتب خصوصی به طور معناداری نمرات بالاتری در مؤلفه بالا داشته‌اند.

روایی (اعتبار): روایی محتوایی پرسشنامه با نظر ۱۰ تن از متخصصان حوزه علوم تربیتی و مدیریت آموزشی تأیید شد (CVI=0.89).

پایایی (اعتماد): پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب الفای کرونباخ بر روی یک نمونه ۳۰ (خارج از نمونه اصلی) محاسبه و مقدار ۰/۹۱ به دست آمده که نشان دهنده پایایی عالی ابزار پژوهش است.

بحث و بررسی

یافته‌های این پژوهش گامی مهم در فهم اثربخشی شیوه‌های نظارتی در بافت آموزشی کابل به شمار می‌آید؛ با این حال، برای تعمیق نتایج و جهت‌دهی به پژوهش‌های آینده، چند نکته قابل تأمل است:

۱. محدودیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها: نمونه پژوهش به هشت مکتب در شهر کابل محدود بوده است. با توجه به تنوع گسترده مکاتب از نظر امکانات، بافت اجتماعی-اقتصادی و سطح مهارت معلمان، تعمیم نتایج - به‌ویژه برتری نظارت مشارکتی و حمایتی - به همه مکاتب، به‌خصوص مناطق حاشیه‌ای، با احتیاط همراه است.

۲. چالش روش‌شناختی و اتکا به خوداظهاری: استفاده از پرسشنامه و تکیه بر خوداظهاری معلمان، احتمال سوگیری مطلوب‌نمایی را افزایش می‌دهد. بهره‌گیری از روش‌های مکمل مانند مشاهده ساختاریافته کلاس درس یا تحلیل طرح درس‌ها می‌توانست به غنای داده‌ها و عینیت بیشتر نتایج کمک کند.

۳. غفلت از متغیرهای مداخله‌گر: نقش عواملی چون فشارهای روانی ناشی از ناامنی و مشکلات معیشتی معلمان در تحلیل اثرگذاری نظارت به‌طور مشخص بررسی نشده است؛ در حالی که این متغیرها می‌توانند بر کیفیت اجرای نظارت و پیامدهای آن تأثیرگذار باشند.

۴. ابهام در اجرای عملیاتی شیوه‌های نظارتی: مقاله توضیح روشنی درباره نحوه اجرای عملی هر شیوه نظارتی و پروتکل‌های مورد استفاده ارائه نمی‌دهد؛ بنابراین ارزیابی کیفیت اجرا دشوار است.

۵. مسئله علیت در برابر همبستگی: نتایج نشان‌دهنده همبستگی اند، اما اثبات رابطه علی نیازمند طرح‌های آزمایشی یا مطالعات طولی است تا مشخص شود آیا نظارت مؤثر موجب بهبود می‌شود یا معلمان توانمندتر در این فضاها حضور دارند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تأکید بر ضرورت گذار از پارادایم سنتی «بازرسی و کنترل» به رویکرد نوین «مربی‌گری و توانمندسازی»، افق تازه‌ای در فهم نظارت آموزشی می‌گشاید. یافته‌های آن به روشنی نشان می‌دهد که نظارت‌های مشارکتی و حمایتی، در مقایسه با الگوی آمرانه و یک‌سویه، اثربخشی بیشتری در ارتقای عملکرد علمی و حرفه‌ای معلمان دارند. این نتیجه حامل پیامی صریح برای سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی است: استمرار رویکردهای کنترلی نه تنها کارآمد نیست، بلکه مانعی بر سر راه رشد حرفه‌ای معلمان به شمار می‌آید. در مقابل، سرمایه‌گذاری هدفمند بر توسعه مهارت‌های راهنمایی، گفت‌وگوی حرفه‌ای و مربی‌گری برای ناظران، یک ضرورت راهبردی در مسیر بهبود کیفیت آموزشی است.

در این چارچوب نوین، معلم به‌عنوان متخصصی اندیشمند و صاحب‌فکر شناخته می‌شود که در بستر رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد، احترام و تعامل سازنده، توان شکوفاسازی ظرفیت‌های خویش را می‌یابد. هرچند پژوهش در بستر شهر کابل انجام شده است، دلالت‌های آن فراتر از این جغرافیا قابل تأمل است و می‌تواند الهام‌بخش اصلاحات گسترده‌تر در نظام‌های آموزشی باشد. تحقق نظامی پویا و کیفیت‌گرا در گرو پذیرش این اصل بنیادین است که «معلم یادگیرنده»، اثرگذارترین معلم است و این چرخه یادگیری مستمر تنها در فضای امن، مشارکتی و انسان‌محور تداوم می‌یابد.

منابع

- حسینی، ع. (۱۳۹۷). تحولات نظارت آموزشی. یسپرون.
- رضائی، م. (۱۳۹۷). تأثیر نظارت و راهنمایی آموزشی بر عملکرد معلمان. مجله تحقیقات تربیتی ایران.
- عظیمی، ع. (۱۴۰۴). یادداشت‌های سخنرانی. [Lecture Notes] دانشگاه تعلیم و تربیت کابل، افغانستان.
- محمدی، م. (۱۳۹۸). چالش‌ها و فرصت‌های نظارت آموزشی در کشورهای در حال توسعه. مجله توسعه بین‌المللی.
- مهرمحمدی، م. (۱۳۹۴). اصول و مبانی نظارت آموزشی. سمت.
- نیکنامی، م. (۱۳۸۵). نظارت و راهنمایی آموزشی. سمت.
- وزارت معارف افغانستان. (۱۳۹۸). لایحه نظارت آموزشی. وزارت معارف.